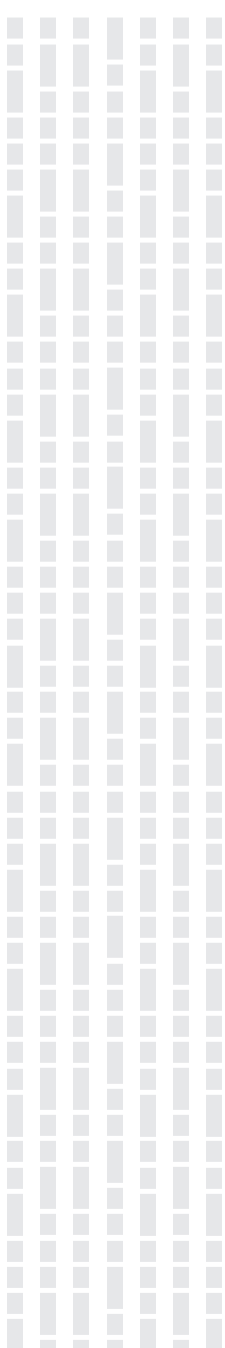


جهان‌شمس

<div><div><div><div><div></div><div>سه‌شنبه ۱۸ دی ۱۴۰۳</div></div></div><div><div><div></div><div>شماره ۴۳۳۴</div></div><div><div></div><div>فناوری روز</div></div></div><div><div><div></div><div>فارس‌هفت‌گانه روزی</div></div><div><div></div><div>FARHIKHTEGANAILY.COM</div></div></div><div><div><div></div><div>فارس‌هفت‌گانه آنلاین</div></div><div><div></div><div>FARHIKHTEGANONLINE</div></div></div></div></div>



۸

اردوغان می خواهد سرکوب کردها را تشدید کند،سیاستی که در دراز مدت معلوم نیست به نفع ترک ها باشد

ورود افندی به باتلاق کردستان



سیدمهدی طالبی

پژوهشگر حوزه بین‌الملل

سقوط نظام سیاسی سوریه به‌رهبری «بشار اسد» باعث‌شده تایکی از موانع ترکیه در محیط منطقه‌ای برداشته‌شده و تمرکز آنکارا بر مسئله کردها افزایش یابد. از این روست که با فتح دمشق توسط گروه تروریستی «تحریرالشام»، ارتش ترکیه دست به پیشروی‌های بیشتری در خاک سوریه زده و با اقدام مستقیم و بهره‌گیری از گروه تروریستی موسوم به «ارتش ملی سوریه»، دور جدیدی از درگیری‌ها را با کردهای شرق سوریه آغاز کرده‌است. تمرکز آنکارا بر مسئله کردی‌وبه‌کارگیری میزان بالایی‌از خشونت در آن نشان‌دهنده‌عنادوسیع این تنش طولانی مدت‌است. در این گزارش تلاش شده به ابعاد درگیری میان ترکیه و کردها پرداخته‌شود.

نگاه ترکیه به کردها

برای آنکه چرایی هرخورد ترکیه با کردها، ابعاد و غایت آن را در یابیم، باید دید آنکارا چگونه به آن‌ها نگاه می‌کند.

۱. **فروپاشی عثمانی با عرب‌ها،زلزل ترکیه با کردها**

با فروپاشی امپراتوری عثمانی، برای قوم حاکم تنها سرزمین‌های محدودی باقی ماند. آن‌ها با تلاش‌های وافر به رهبری «آتاتورک» موفق شدند بخش‌های اصلی عثمانی در آناتولی را بازپس گرفته و ترکیه را پایه‌گذاری کنند. با این حال ترک‌تباران در اصلی‌ترین سرزمین خود که در آن پناه گرفته بودند هم با چالش جمعیتی روبه‌رویند. پیش از این بافت عربی امپراتوری عثمانی و شورش آن‌ها باعث فروپاشی این امپراتوری شد. برای دهه‌ها نیز این شورش‌های کردی‌اند که نفس جمهوری ترکیه را گرفته‌اند. چالش‌های مداوم، سنگین و دارای ظرفیت انفجاری موجب‌شده تا آنکارا همواره نگران معضل کردی‌باشد. حتی اگر دولت ترکیه بر ضد کردها به موفقیت‌هایی نائل شود، عمق و ظرفیت‌های این معضل به میزانی بالاست که احتمال دارد ناگهان فوران کند. بر همین اساس ترکیه تا درونمای قابل مشاهده‌ای درگیر معضل کردی خواهد بود؛ مگر آنکه بتواند دست به تغییرات جمعیتی بزند.

۲. **تناقض با امر ملی**

یک سؤال مهم وجود دارد: اگر ترکیه کشور ترک‌تباران است، چگونه ۳۰ الی ۴۰ درصد جمعیت آن به یک گروه قومی دیگر تعلق دارد؟ باید توجه داشت اگر ۶۰ الی ۷۰ درصد جمعیت ترکیه ترک‌تبار بوده و ۳۰ الی ۴۰ درصد باقی‌مانده میان اقوام دیگر تقسیم می‌شد، به گونه‌ای که سهم هرکدام حداکثر ۱۰ درصد باشد، می‌شد هویت ترکی ترکیه را مورد پذیرش قرار داد اما هنگامی که یک قوم عمده دیگر وجود دارد، کار آسان نیست. به لحاظ جغرافیایی نیز جنوب شرقی ترکیه به عنوان وطن اصلی قوم کرد در جهان، یک‌سوم خاک این کشور را در بر می‌گیرد.

۳. **ترکیه قلب ترک‌تباران است یا کردتباران؟**

بزرگ‌ترین سکونتگاه قوم کرد در جهان، ترکیه است. از جمعیت ۴۰ تا ۵۰ میلیون کردها، ۲۰ تا ۳۰ میلیون نفر در ترکیه زندگی می‌کنند. به عبارتی دیگر مرکز اصلی کردها در جهان، کشور ترکیه و به‌طور خاص جنوب شرق این کشور است. ترکیه نمی‌تواند به‌طور هم‌زمان هم قلب کشورهای ترک‌تبار به حساب آید و هم قلب قوم کرد باشد. آنکارا برای آنکه بتواند خود را قلب کشورهای ترک‌تبار جا بزند، چاره‌ای جز عبور از کردها ندارد.

۴. **تفاوت همه‌جانیه قومی – مذهبی**

کردها علاوه بر قومیت، تفاوت‌های مذهبی بزرگی نیز در ترکیه‌آقیدل‌اند. درحالی‌که ترک‌تباران از اهل سنت حنفی مذهبند، کردها اهل سنت شافعی مذهبند. بخش دیگری از کردها نیز علوی مذهب به‌شمار می‌روند. تفاوت‌های همه‌جانیه قومی و مذهبی کردها، زمینه‌های واگرایی را تشدید کرده‌اند. در این شرایط، حرکت برای همگرایی باادغام کردها در جامعه ترک‌تباران دشوار است.

۵. **تهدید جمعیتی و تبدیل شدن به قوم اکثریت**

نرخ رشد جمعیت کردها بالاتر از ترک‌تباران ترکیه است. تا یک دهه قبل ادعا می‌شد نرخ رشد در مناطق کردنشین ترکیه دو تا سه برابر ترک‌نشین این کشور است. با توجه به نزدیکی جمعیتی این دو گروه، احتمال دارد طی دهه‌های آتی کردها به بزرگ‌ترین گروه قومی این کشور تبدیل شوند. با این وجود، نرخ رشد دو تا سه برابری نسبت به ترک‌تباران متعلق به همه کردها نیست. هرچند جنوب شرق ترکیه مرکز اصلی کردهاست اما بسیاری از آن‌ها جذب مناطق داخلی‌تر این

کشور شده‌اند و از همان سبک زندگی ای پیروی می‌کنند که ترک‌تباران دارند. در نتیجه نرخ رشد بالایی اعلام شده مربوط به مناطق اصلی کردستان ترکیه است.

۶. **احتمال اتصال مهاجران به مرکز**

با توسعه اقتصادی ترکیه و شهرهایی مانند استانبول، مناطق مرکزی و غربی این کشور شاهد حضور میلیون‌ها کردها شده‌اند. امروزه استانبول بزرگ‌ترین شهر کردنشین ترکیه است؛ هرچند کردها اکثریت جمعیت این کلانشهر را تشکیل نمی‌دهند. اگر زمینه‌های بحران در مناطق کردی بر طرف نشود، احتمال دارد با تشکیل و جاگیر شدن گروه‌ها و دیدگاه‌های ناسیونالیست در چنین مناطقی، آن‌ها قصد استفاده از این مهاجران برای مقاصد خود را داشته باشند. برای آرام نگه‌داشتن محیط مرکزی از التهابات، انگیزه‌های ترکیه برای بازیگری در محیط کردی بیشتر شده است. دولت‌های ترکیه طی دهه‌های گذشته‌فادر به کنترل حضور کردها در مناطق مرکزی نبوده‌اند؛ هرچند به‌نظر می‌رسد آن‌را سوده‌مند نیز تلقی می‌کرده‌اند. نخست‌آنکه جابه‌جایی کردها یک انتقال درون‌کشوری بوده دولت‌بهبانه مناسبی برای ممانعت از آن نداشته است. دومین مسئله به تفاوت پتانسیل بازمی‌گردد؛ نمی‌شدد شرایطی که جنوب شرق ترکیه فقیر و دچار عقب‌ماندگی است، توقع داشت جمعیت از آن به‌سمت مناطق در حال توسعه و ثروتمند ترکیه حرکت کنند.

برخی از عوامل سوق دهنده ترکیه برای سرکوب کردها

معضل کردی برای ترکیه دردی مزمن و ابعادی عمیق است اما با این وجود آنکارا به سمت سرکوبش گام برمی‌دارد. به‌نظر می‌رسد نوع حرکت ترکیه برای سرکوب کردها، که نیزمانند شدت عمل است، از سوی چند عامل تقویت می‌شود.

۱. **سرکوب موفقیت‌آمیز ارمنی‌ها**

ارمنی‌ها به‌طور تاریخی از ارمنستان کنونی تا اناطلیه و ساحل مدیترانه را در اختیار داشته‌اند. همانطور که جنوب شرق ترکیه و وطن کردهاست، شمال غربش

نیز وطن ارمنی‌ها بوده‌است. در اواخر دوره عثمانی آن‌ها در شرق ترکیه کنونی حضوری پررنگ داشتند، اما عثمانی آن‌ها را سرکوب کرد تا دیگر اثر قابل توجهی از آن‌ها باقی نماند.

۲. **عمومیت معضل کردی**

معضل کردی در منطقه فراگیر است و به همین دلیل فضای مساعدی برای خود جهت سرکوب آن‌ها احساس می‌کند. تقریباً هر چهار کشور ترکیه، عراق، سوریه و به میزان کمتری ایران با معضل کردی روبه‌رو بوده‌اند. با این حال معضل کردی در ایران خفیف‌تر بوده و به شکل قومی جریان نداشته است.

کردها در ترکیه که هویتی ترکی‌ای خود قائلند، به‌زعم آن‌ها اوصلا و ناجروند. آن‌ها در ترکیه در فضایی متناقض حضور دارند. در کشورهای عربی متعصب نیز وضعیت آنان تعریفی ندارد؛ هرچند در دو کشور عراق و سوریه جغرافیایی بوده و قومی نیست، اما هویت پررنگ عربی باعث‌شده کردها در این دو کشور با تعارض روبه‌روباشند. در مقابل کردها به‌این دلیل که قومی ایرانی به‌شمار می‌روند، تناقض و تعارضی با ایران ندارند، اما در شکلی خفیف‌تر، ناسیونالیسم کردی به معضل کردها در ایران دانه زده است.

عمومیت معضل کردی در منطقه از هرو سوباعث ایجاد فضای مساعد برای ترکیه شده است؛ از یک سو کشورهای منطقه با ترکیه احساس همدردی می‌کنند و از سوی دیگر کشورهای مدافع کردها، به‌این دلیل که تلاش شده معضل کردی علیه آنها نیز به‌کار گرفته‌شود، انگیزه چندانی برای حمایت از کردها در منطقه ندارد.

۳. **ابزارهای تعادلی ترکیه**

ترکیه قدرت سیاسی نظامی و به‌ویژه اقتصادی خود را توسعه داده است. آنکارا به‌طور ویژه‌ای می‌کوشد با بهره‌گیری از ابزار اقتصادی، مانع از کمک دیگر دولت‌ها به کردها شده و همچنین اعتراض آن‌ها به سرکوب کردها را خاموش کند. از این رو بسیاری از دولت‌ها با هراس از خشم آنکارا، نسبت به برنامه‌های ضدکردی این کشور سکوت کرده‌اند.

۴. **الگوگیری از رژیم صهیونیستی**

ترکیه قصد دارد همان‌گونه که رژیم صهیونیستی جمعیت‌های فلسطینی را تحت کنترل خود درآورده است، محیط‌های کردی را تضعیف کند.

دولت ترکیه با ایجاد سسدهای بزرگ در جنوب شرقی این کشور به دنبال مسدود ساختن ارتباطات مردمی در دوسوی مرز است. همچنین در حملات به کردهای سوریه می‌کوشد آن را به عقب رانده و جمعیت‌های ترک‌تبار و عرب را در شمال سوریه بیاورد.

اردوغان می خواهد سرکوب کردها را تشدید کند،سیاستی که در دراز مدت معلوم نیست به نفع ترک ها باشد

ورود افندی به باتلاق کردستان

شرق سوریه جایگزین آن‌ان‌است.

پاکسازی جمعیتی کردها، قطع ارتباط، دخالت در تحولات درونی کردها، حضور نظامی در جغرافیای کردی و اعمال نظارت گسترده اطلاعاتی و هوایی بر آن، از جمله اقدامات ترکیه‌اند که شباهت فراوانی با سیاست‌های رژیم صهیونیستی در فضای فلسطین اشغالی دارد.

ترکیه حتی سیاست «دکترین صخایه» را نیز اجرا می‌کند. بر مبنای این سیاست، رژیم صهیونیستی محیط‌های حضور گروه‌های معارض با خود را به‌شدت تخریب می‌کند تا این گروه‌ها دیگر به‌فکر مبارزه باا ل آویونیفتند؛ هرچند این یکی از لایه‌های اعلامی دکترین صخایه است ودر لایه‌های دیگر رژیم صهیونانخلیه جمعیتی است. ترکیه نیز در مواردی به شهرهای کردی حمله و آن‌ها را ویران کرده است تا میان گروه‌های جدایی طلب با ساکنان کرد فاصله بیندازد.

برخی اهداف ترکیه

ترکیه اهداف متفاوت و متنوعی را در پوشش سرکوب کردها دنبال می‌کند که به شرح ذیل‌اند:

۱. **تقویت تسلط بر منابع آبی**

درحالی‌که جهان و به‌ویژه منطقه غرب آسیا از بحران آب رنج می‌برد در آینده اوضاع در آن بحرینج‌تر خواهد شدند. ترکیه دارای منابع آب فراوان و مزادد بر نیاز است. این ازدیاد به‌لطف سدسازی‌های گسترده به‌دست آمده که نتیجه آن کاهش ورودی آب‌سدهای دجله و فرات به کشورهای پایین دست این دوردو بوده است. ترکیه می‌خواهد در اطراف این سدها مراکز عمده کشاورزی و حتی گردشگری ایجاد کرده و به‌تبع آن صنعت تبدیلی محصولات غذایی نیز ایجاد کند.

در صورت تکمیل طرح‌های آبی ترکیه، آنکارا علاوه بر فروش مستقیم آب بهره‌گیری ابراری از آن، می‌تواند نبض بازار محصولات کشاورزی و غذایی را نیز در دست گیرد؛ هرچند هم اکنون جایگاه قابل‌اعتنایی در آن‌ها دارد. مشکل این طرح اما آنجاست که منابع آبی ترکیه و اطراف آن در محل زندگی کرده‌است.

۲. **تضعیف اربانت در منطقه**

غرب آسیا و مناطق پهراوم آن امروزه تحت تأثیر چند عنصر قومی و دینی است. به لحاظ قومی ایرانی‌ها (اقوام ایرانی که شامل کردها، آذری‌ها و ارمنی‌هانیز می‌شود) ترک‌تباران، عرب‌ها و یهودی‌ها عناصر مهم کنونی‌اند.

تضعیف اربانت از چند منظر در هدف‌گیری ترکیه قرار دارد. یکی از دلایل آن، هویت آذری‌هاست. آذری‌ها قومی ایرانی‌اند که زبانشان تحت تأثیر حضور قبایل ترک‌تبار در ایران به یکی از شاخه‌های زبان ترکی تغییر یافته است.

ترکیه امیدوار بد تضعیف عنصر اربانت و جعل حقایق، بتواند سلطه خود بر آذری‌ها را نهایی کند؛ امری که در دوره صفویه ناکام مانده و به واکنش شدید آذری‌ها در پناه هویت ایرانی و شیعی منجر شد. ترکیه تضعیف عرب‌ها را هم در برنامه خود دارد. بر همین اساس آنکارا به دنبال برجسته‌سازی جایگاه ترک‌مانان ساکن در عراق و مسوریه است. این کشور با تزریق گروه‌های ترک‌تبار به این دو کشور، درصد تقویت جمعیتی این گروه‌ها نیز برآمده‌است.

۳. **ورود به محیط عربی به بهانه کردی**

ترکیه برنامه‌های نظامی اصلی خود در خاک عراق و سوریه را به بهانه مسئله کردها تدارک دیده است. در عراق حضور ترکیه تماماً به بهانه معضل کردی صورت گرفته است، اما در سوریه علاوه بر معضل کردی، ترکیه دلایل دیگری را نیز برای حضور اعلام کرده است.

چرا اردوغان وعداالت وتوسعه؟

در فضای سیاسی ترکیه دو گروه عمده حضور دارند؛ جریان لائیک و جریان اسلامگرای اردوغان که البته به‌شکل سکولار عمل می‌کند.

لائیک‌ها به لحاظ ایدئولوژیک به قومیت تکیه کرده و ملی‌گرا هستند. از این رو اگر بخواهند علیه کردها مبارزه‌کنند، هیچ‌پاری از میان آن‌ها جذب نخواهند کرد. در مقابل اردوغان و حزب عدالت و توسعه می‌توانند از دیدگاه‌های اسلامگرایانه خود برای بازیگری از میان کردها بهره‌گیرند. بر همین اساس است که حزب عدالت و توسعه با جلب توجه اشرار محافظه‌کار مذهبی کرد، در جنوب شرق ترکیه فعال بوده و در شهرهای داخلی‌تر کشور نیز آرای این قشرا جذب می‌کند. هیتت حاکمه و ارتکان ترکیه با توجه به اولویت و عمق بحران کردی در این کشور، با اردوغان همراهی می‌کنند. حزب عدالت و توسعه بسیاری از پیروزی‌های خود را منسوب آن‌ری کردها به‌ویژه کردهای محافظه‌کار مذهبی است.

ترودوقبل از روی کار آمدن ترامپ استعفا داد

پایان فرماندار ایالت پنجاهویکم



«فرماندار ایالت کانادا» استعفا کرد. این لقبی است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده به جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانسادا داده بود. ترامپ این لقب را وقتی که ترودو وضع تعرفه‌ها را باعث از بین رفتن اقتصاد کانادا خوانده بود، به او داد و پیشنهاد کرد کانادا به «پنجاهویکمین ایالت آمریکا» تبدیل شود. دیروز ترودو که در ماه‌های گذشته تحت فشار سنگین هم‌حزبی‌هایش و افکار عمومی برای کناره‌گیری بود، در نشست خبری اعلام کرد از رهبری حزب حاکم لیبرال و نخست‌وزیری کانادا استعفا می‌دهد. او البته تا زمان انتخاب نخست‌وزیر جدید در قدرت باقی خواهد ماند؛ اما دیگر این فرصت را نخواهد داشت تا در دولت ترامپ به عنوان فرماندار ایالات پنجاهویکم خدمت کند. ترودو که از سال ۲۰۱۳ رهبر حزب لیبرال کانادا و از سال ۲۰۱۵ نخست‌وزیر بوده است، در ماه‌های اخیر در برابر فشارها مقاومت کرده بود اما رفتار تحقیرگونه دونالد ترامپ با وی و خط‌وشنانش کنشیدن‌هایش، کار دشمن داد. تهدیدهای ترامپ، منجر به نزاع در کانپه و ریورایریه وزیر دارایی کانادا با نخست‌وزیر شد. در نهایت نیز «کریستینیا فیلند» که از سال ۲۰۲۰ وزیر دارایی بود، قبل از ارائه برنامه اقتصادی دولت به پارلمان استعفا کرد. برخلاف ترودو، فریلند معتقد بود تهدید اعمال تعرفه‌های جدید بر کالا‌های وارداتی از کانادا توسط دولت ترامپ، تهدیدی جدی است.

چرا او رفت؟

در دسامبر، ترودو با بحران‌های سیاسی شدیدی مواجه بود. احزاب مخالف خواستار استعفا یا و برگزاری انتخابات زودهنگام بودند. موقعیت او به‌طور قابل توجهی ضعیف شده بود؛ چراکه بیش از ۵۰ نفر از ۷۵ نماینده حزب لیبرال حمایت خود را از رهبری او برداشتند. به این بحران، استعفا کریستیا فریلند، در اعتراض به سیاست‌های او اضافه شد. این چالش‌ها نتیجه سال‌ها جنجال و ناراضیاتی بودند. منتقدان معتقدند مشکلات سیاسی ترودو با انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده تشدید شده است.

جدا از ترامپ، نظر سنجی‌های اخیر در کانادا نشان می‌دهد حمایت عمومی از حزب لیبرال تحت رهبری ترودو به‌شدت کاهش یافته است، در حالی‌که حزب محافظه‌کار به رهبری پیر پوپلور به‌طور قابل توجهی پیشرفت کرده است. این روند نزولی بازتاب کاهش محبوبیت شخصی ترودو است که به‌رسوایی‌ها، مشکلات اقتصادی فراوان، انفعال سیاسی و وعده‌های عمل نشده نسبت داده می‌شود. به گفته منابع کانادایی یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌ها به اعتبار ترودو در سال ۲۰۲۰ و با رسوایی «خبریه WE» وارد شد. نخست‌وزیر به دلیل اعلی‌طایک قرارداد دولتی پرسود به سازمانی که ارتباط نزدیکی با خانواده‌اش داشت، مورد حمله شدید قرار گرفت. این اتفاق در فضای عمومی کانادا تردیده‌انگیزت به‌مسئله شفافیت را برانگیخت و اعتماد عمومی به ترودو را به‌شدت کاهش داد. علاوه بر این، ناتوانی ترودو در عمل به وعده‌های اصلی انتخاباتی باعث ناامیدی کانادایی‌ها شده است. با وجود تعهد به بهبود خدمات بهداشتی و آموزشی در کمپین ۲۰۱۹، بسیاری احساس می‌کردند این تعهدات همچنان محقق نشده است. دولت او همچنین از نظر افزایش هزینه‌های عمومی، افزایش بدهی ملی و ناتوانی در رسیدگی به کمبود مسکن و افزایش هزینه‌های زندگی به‌شدت زیر ضربه جامعه کانادا قرار داشت.

تهدید جمعیتی و تبدیل شدن به قوم اکثریت

تهدید جمعیتی و تبدیل شدن به قوم اکثریت

اولویت‌های ترکیه در سوریه پس‌اسد

همچنین سوریه به‌دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی می‌تواند بخشی از کردیدر ترازوی شرق به‌غرب از طریق عراق و اردن به ترکیه و سپس به اروپا باشد. علاوه بر این در حوزه انرژی این فرصت برای ترکیه فراهم شده‌نقشش را در خصوص ترازینت‌گاز طبیعی در منطقه و مدیترانه افزایش دهد. اندیشکده انگلیسی چشم‌هاوس در تعیین اولویت‌های اقتصادی ترکیه در سوریه جدید نوشت: «اولویت‌دادن به انرژی پایدار بر شبکه‌های گاز عادی بهترین روشی است که ترکیه می‌تواند از طریق آن مزیت استراتژیک موقت خود را به‌نقد منطقه‌ای پایدار تبدیل کند.»

– **تجارت و صادرات**

واردات ترکیه از سوریه در سال ۲۰۲۳ معادل ۳/۵ میلیارد دلار و صادرات آن به این کشور حدود دو میلیارد دلار بوده‌است. ترکیه به‌دنبال افزایش تجارت و صادرات خود به‌سوریه است. این امر به تقویت اقتصاد ترکیه و ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای شرکت‌های ترکیه‌ای کمک می‌کند. بازرگانی مرزها و تسهیل تجارت، از اولویت‌های اصلی ترکیه خواهد بود.

– **امنیت سرمایه‌گذاری**

ترکیه برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در سوریه، نیاز به ایجاد یک محیط امن و پایدار دارد و این امر نیازمند ایجاد ثبات در فضای سیاسی – اقتصادی سوریه است.

علاوه بر این چشم‌انداز ایجاد یک منطقه آزاد تجاری جدید در ادلب، سبب خواهد شد سرمایه‌گذاران خارجی و ترکیه‌ای این فرصت‌شده‌تواشکرت‌هایی با سرمایه‌ صددردی در برخی مناطق صنعتی سازمان یافته ایجاد کنند.

در مجموع، ترکیه در مسوریه پس‌اسد، اولویت‌های سیاسی- امنیتی، منطقه‌ای و اقتصادی متعددی دارد؛ دستیابی به این اولویت‌ها، نیازمند همکاری با سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی و یافتن راه‌حلی برای بحران سوریه است. عدم تحقق این اولویت‌ها می‌تواند به بی‌ثباتی بیشتر در منطقه و تهدید امنیت ملی ترکیه منجر شـود، بلکه تلاش خواهد کرد از طریق دیپلماسی چندجانبه با کشورهای فرامنطقه‌ای و سازمان‌های بین‌المللی، همکاری با کشورهای عربی ذی‌نفع در سوریه، تقویت نقش منطقه‌ای، تضعیف رقبای منطقه‌ای و اقدامات امنیتی از منافع خود در سوریه محافظت کند تا از این طریق بتواند به اهداف و اولویت‌های خود دست یابد.

اولویت‌های اقتصادی

اولویت‌های اقتصادی

روابط منطقه‌ای ترکیه شده و این کشور فرصتی تاریخی برای افزایش وزن منطقه‌ای و پیشبرد منافع ژئواستراتژیک خود به‌دست آورده است. در چنین شرایطی آنکارا با به‌دست آوردن یک مزیت استراتژیک منطقه‌ای و تقویت محور ترکی – عربی، ضمن افزایش قدرت منطقه‌ای، اولویت را کسب برتری در مقابل رقبای منطقه‌ای قرار داده و بر تثبیت موقعیتش متمرکز شده تا از این طریق، ضمن کسب حمایت و همکاری کشورهای عربی، دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی خود را در رابطه با تحولات سوریه به‌پیکری کند. همچنین در آخرین نشست خبری فرهنگی وزارت دفاع ترکیه در سال جاری، زکی آنکرتوک، سخنگوی این وزارتخانه گفت: «همکاری دوجانبه با سوریه از نظر ثبات ملی و منطقه‌ای اولویت ترکیه است.» این نکته را باید در نظر داشت که ثبات در منطقه برای منافع ترکیه ضروری است و این کشور از این طریق می‌تواند در راستای منافع خود به اتحادهای دیپلماتیک و استراتژیکي در منطقه دست یابد.

اولویت‌های اقتصادی

ترکیه به‌دنبال احیای اقتصاد سوریه و بهره‌مندی از فرصت‌های اقتصادی در این کشور است، در این راستا اولویت‌های اقتصادی این کشور در سوریه پس‌اسد را

چنین می‌توان برشمرد:

– **بازسازی زیرساخت‌ها**

ترکیه قادر به ایفای نقش مهمی در بازسازی اقتصادی سوریه است؛ این کشور در نتیجه آوارگی نیمی از جمعیت، آسیب‌دین حدود ۲۰ درصد ساختمان‌های مسکونی و سقوط ارزش لیره، نیاز مند استراتژی جامع بازسازی است که با توجه به حضور سوریه جدید در حوزه نفوذ ترکیه، این کشور در بازسازی زیرساخت‌های سوریه می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. این امر نه‌تنها به احیای اقتصاد سوریه کمک می‌کند، بلکه فرصت‌های اقتصادی برای شرکت‌های ترکیه‌ای نیز ایجاد می‌کند.

– **سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصاد**

ترکیه به‌دنبال سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصاد سوریه، از جمله کشاورزی، صنعت، گردشگری و انرژی است. این سرمایه‌گذاری‌ها به ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش تولید ناخالص داخلی سوریه کمک می‌کنند،

اولویت منطقه‌ای

سقوط دولت اسد، کاهش نفوذ روسیه و ایران در این کشور و نقش مهم ترکیه در حمایت و تجعیزی گروه‌های مسلح شورش‌ی هیتت تحریرالشام، منجر به بازتعریف